

اول : معتل الفاء « مثال » دوم : معتل العین « اجوف » سوم معتل اللام « ناقص »  
 و اگر دارای دو حرف عله باشد : اگر دو حرف عله بهم دیگر نزدیک است : لفیف مقرون  
 و اگر از یکدیگر دور است : لفیف مفروق است ( لفیف را از اینجهت لفیف گویند  
 که يك حرف صحیح در لفافه دو حرف عله واقع شده )  
 ۳ - مهموز :

فعل مهموز آنستکه دارای همزه باشد . همزه هم یا فاء الفعل واقع می شود یا  
 عین الفعل یا لام الفعل : پس فعل مهموز نیز یا مهموز الفاء است یا مهموز العین یا مهموز  
 اللام ( همزه همیشه متحرك است بر خلاف الف که همواره ساکن می باشد )  
 ۴ - مضاعف

فعل مضاعف آنستکه دارای حرف مکرر باشد : و این تکرار باید در حروف اصلی  
 کلمه : فاء الفعل - عین الفعل - لام الفعل واقع شود . اعم از آنکه فعل ثلاثی باشد  
 یا رباعی

هرچند اکنون مناسب مقام آنستکه مثالهای وجوه هفتگانه نیز بلافاصله ذکر  
 شود ( زیرا اینکار بضبط نزدیکتر است ) لیکن نظر باینکه در خط شرقی حرکات غیر  
 مکتوب است و مبتدی نمیتواند مثالها را درست تلفظ نماید بنابراین بعد از بیان قواعد  
 عمده صرف - مژلهارا ذکر می نمائیم تا بفهم نزدیکتر باشد زیرا غرض از علم فهم است  
 نه صرف ضبط )

تال جامع علوم انسانی  
 ویژه قرآنی

حرکاتیکه حروف را برشته بیاز می کند سه حرکت است :

۱ - فتحه ۲ - کسره ۳ - ضمه ، و هرگاه این سه حرکت را اشباع کنیم ( یعنی  
 غلیظ ادا نمائیم ) : از اشباع فتحه الف - و از اشباع کسره یا - و از اشباع ضمه و او  
 تولید می شود .

پس در حقیقت و او - و یاء و الف ( حروف عله ) را نباید حروف صدا دار  
 ( مانند وبلهای لاتین ) دانست ؛ بلکه باید آنها را صدای حروف خواند بعبارت دیگر  
 حروف عله حرکات منجمده ( جوهر حرکات ) می باشند .

۹ - اینست ریشه چهار قاعده از قواعد عمده‌ایکه ذیل بیان می‌شود:

۱ - اعلال:

اعلال عبارت است از ابدال: یعنی تبدیل یا قلب که فقط بین حروف عله واقع و دایر است:

مثلاً همیشه واو - و یاء ما قبل مفتوح - قلب (یا بدل) به الف میشود (علت) این ابدال هم همان فتحه ما قبل است و بسبب همین وجود علت است که این ابدال را (اعلال گویند)

۲ - نقل:

نقل عبارتست از نقل حرکات: از حروف عله بما قبل آنها (علتش هم اینست که حرف عله چون حرکت منجمده است پس خود از حرکت بینداز است) در این جا شرط نیست که حرکت همجنس با حروف عله بما قبل نقل شود یا غیر همجنس: باین معنی که ضمه واو یا کسره یاء که هر کدام از جنس حرف خود است نیز مانند عکس آن: که کسره واو و ضمه یاء باشد (و جنسیت ندارد) بما قبل نقل میشود با این فرق که دو صورت اول ایجاب یک قاعده میکنند و دو صورت ثانی ایجاب قاعده دیگر (که بیان خواهد شد)

۳ - ابدال:

ابدال عبارتست از تبدیل حرفی بحرف دیگر و این دو قسم است

۱ - تبدیل حرفی بحرف دیگر بمناسبت حرکت ما قبل چنانکه مثلاً: واو ما قبل مکسور و بدل به یاء میشود (این ابدال در حروف عله دایر و مربوط به ریشه مذکور می‌باشد)

۲ - تبدیل حرفی بحرف دیگر بسبب قرب مخرج چنانکه مثلاً میم بدل به نون میشود (این ابدال در غیر حروف عله دایر و ربطی به ریشه ذکر شده ندارد)

۴ - حذف:

حذف عبارت است از اسقاط حرفی از کلمه بسبب وجود قرینه (یا علت دیگر) مثلاً هرگاه دو وار در یک کلمه جمع شوند - واو اول حذف میشود اگر چه از حروف اصلی کلمه (مثلاً عین الفعل) باشد: